

بررسی مؤلفه‌های هنجارگریزی در مجموعه رباعیات «سونات بلوط» اثر جلیل صفربیگی

فرشته‌علیرضایی^۱
محمدتقی‌جهانی^۲

چکیده

هنجارگریزی از مفاهیم و اصطلاحات نقد فرمالیستی است و به انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار و برهم زدن هماهنگی و نظم زبان متعارف و معمولی اشاره دارد. این روش یکی از مهمترین شیوه‌های برجسته‌سازی و آشنایی زدایی در زبان شاعران است. در نظریه لیچ، هنجارگریزی در شکل‌های مختلفی همچون: هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی مطرح شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در چارچوب مکتب ساخت‌گرایی و بر مبنای الگوی هشت‌گانه هنجارگریزی لیچ، به بررسی مجموعه رباعیات «سونات بلوط» اثر جلیل صفربیگی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در اثر مورد بررسی، هنجارگریزی معنایی بسامد چشمگیری دارد و در آن از آرایه‌هایی همچون: تشبیه، استعاره، تشخیص و حس آمیزی به منظور تقویت قدرت تخیل، عینی کردن مفاهیم ذهنی و تسهیل قیاس و ادراک میان دو حس برای خواننده استفاده شده است؛ همچنین نمود آشنایی زدایی با سایر انواع هنجارگریزی کمتر است. شاعر محرومیت و کمبود امکانات را ظلم بزرگی در حق مردم ایلام می‌داند و برای نشان دادن شرایط نامناسب، فقر و وضعیت اسفبار جامعه که بر شعر وی تأثیرگذار بوده، به خلق کلمات و ترکیباتی نو و بدیع چون: «غربت اندوزی»، «گل دوزی زخم»، «رنک‌های زخمی»، «غربت غلیظ» و ... دست زده است.

واژگان کلیدی: نقد ادبی، ساختارگرایی، هنجارگریزی، سونات بلوط، جلیل صفربیگی.



مقدمه

آشنایی زدایی از جمله نظریه‌هایی است که فرمالیست‌های روسی آن را مطرح کردند و شامل مجموعه فنونی است که یک نوشته را از حالت عادی دور می‌کند و باعث می‌شود که خواننده برای فهم آن سخن به تکاپو بیفتد. استفاده از این فنون و دوری از معنای اولیه، بیشتر در شعر دیده می‌شود.

شعر، حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده شعر با شعر خود، عملی را در زبان انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی یا به قول ساخت‌گرایان چک، زبان اتوماتیکی، تمایزی احساس می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳). این تمایز با استفاده از عناصری چون هنجارگریزی ایجاد می‌شود. هنجارگریزی یا برجسته‌سازی را انحراف از مؤلفه‌های زبان هنجار می‌دانند. «برجسته‌سازی، به‌کارگیری عناصر زبان است به‌گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند، غیرمتعارف باشد و در مقابل فرآیند خودکاری زبان، غیر خودکاری باشد» (صفوی، ۱۳۷۳: ۱۵).

در کتاب «موسیقی شعر»، در اهمیت عادت‌ستیزی زبان شعر از زبان عادی چنین آمده است: «یکی از صورت‌گرایان روسی، شعر را رستخیز کلمه‌ها خواننده و درست به قلب حقیقت دست یافته است؛ زیرا در زبان روزمره، کلمات طوری به کار می‌روند که اعتیادی و مرده‌اند و به هیچ روی توجه ما را جلب نمی‌کنند؛ ولی در شعر و ای بسا که با مختصر پس و پیش شدنی، این مردگان، زندگی می‌یابند و یک کلمه که در مرکز مصراع قرار می‌گیرد، سبب زندگی تمام کلمات دیگر می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۵).

جفری لیچ، هنجارگریزی را ابزار شعرآفرینی می‌داند و سه امکان برای تمایز میان هرگونه انحراف نادرست از زبان و هنجارگریزی ارائه می‌دهد: ۱. برجسته‌سازی هنگامی تحقق می‌یابد که هنجارگریزی بیانگر مفهومی باشد یا به عبارت دیگر، نقشمند باشد؛ ۲. برجسته‌سازی هنگامی تحقق می‌یابد که هنجارگریزی بیانگر منظور گوینده باشد؛ به عبارت دیگر، جهتمند باشد؛ ۳. برجسته‌سازی هنگامی تحقق می‌یابد که هنجارگریزی به قضاوت مخاطب بیانگر مفهومی باشد؛ به عبارت دیگر، غایتمند باشد» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۳). لیچ انواع هنجارگریزی را در قالب هنجارگریزی «واژگانی»، «نحوی»، «آوایی»، «نوشتاری»، «معنایی»، «گوشی»، «سبکی» و «زمانی» معرفی می‌کند. جلیل صفریگی از جمله شاعرانی است که انواع هنجارگریزی در شعر وی نمود خاصی دارد. در آثار وی، شواهدی متناسب با نظریه هنجارگریزی لیچ و انواع گریز از هنجار به دست آمد. در این نوشتار، سعی بر این است که بر اساس الگوهای مطرح شده در نظریه لیچ، نمود هنجارگریزی در مجموعه رباعیات «سونات بلوط» اثر جلیل صفریگی، بررسی و تحلیل شود.

سؤال‌های پژوهش

- صفریگی در مجموعه رباعیات «سونات بلوط»، برای برجسته‌سازی شعر خود از چه نوع هنجارگریزی‌هایی استفاده کرده است؟
- کدام نوع هنجارگریزی در این مجموعه بیشترین بسامد را دارد؟



اهداف پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی هنجارگریزی در اشعار شاعر توانمند معاصر، جلیل صفریگی، به کندوکاو در آثار او با تکیه بر مجموعه رباعیات «سونات بلوط» می‌پردازد؛ همچنین در پی آن است تا نشان دهد که شاعر در برجسته‌سازی شعر خود، بیشتر از کدام یک از گونه‌های مختلف هنجارگریزی بهره گرفته است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع هنجارگریزی و بررسی مؤلفه‌های آن در مجموعه‌های مختلف شعری، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

روحانی و عنایتی قادیکلانی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «بررسی هنجارگریزی در شعر شفيعی کدکنی (م. سرشک)»، نشان داده‌اند که هنجارگریزی زمانی در اشعار شفيعی بسامد بالایی دارد. آنان به این نتیجه دست یافتند که شفيعی در به‌کارگیری هنجارگریزی واژگانی به ساخت و ایجاد واژه‌ها و ترکیباتی دست زده است که تاکنون در دایره واژگانی ادب فارسی حضور نداشته‌اند؛ همچنین نشان دادند که وی در هنجارگریزی معنایی از صنایعی چون: تشبیه، پارادوکس، حس‌آمیزی، تشخیص و تصویرسازی، بیشترین بهره برده است.

نوروزی (۱۳۹۸) در مقاله «هنجارگریزی در خمسه نظامی»، زبان شعری نظامی را بر اساس نظریه‌های فرمالیستی و هنجارگریزی بررسی کرده و دریافته است که هنجارگریزی‌های موسیقایی، واژگانی، دستوری و معنایی در ساختار شعر نظامی نقش اساسی دارند و مهمترین وجه هنجارگریزی وی را دوری از تکرار لفظ و معنای عادی دانسته است.

پیروز و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «هنجارگریزی در شعر هوشنگ ایرانی»، به این نتیجه رسیدند که هنجارگریزی معنایی با بیشترین بسامد به شکل تشبیه، تشخیص، حس‌آمیزی و تصاویر پارادوکسی در اشعار هوشنگ ایرانی بروز و نمود یافته و او از طریق واژه‌سازی، ساختن ترکیبات و تعبیرات جدید، استفاده از نام‌آوا و به‌کارگیری اصوات بی‌معنا به هنجارگریزی دست زده است.

خان‌محمدی و خالقی (۱۳۹۴) در مقاله «هنجارگریزی در اشعار نادر نادرپور»، نشان دادند که در شعر نادرپور، هشت گروه هنجارگریزی دیده می‌شود که در این میان، بیشترین نمود از آن هنجارگریزی زمانی، معنایی و نحوی است؛ البته شاعر به طور کامل به این ابزارها توجه و تمرکز نکرده و در پی این نبوده که زبانی نو بیافریند؛ بلکه گهگاه برای تأکید و تأثیرگذاری پیام با هنجارگریزی به خواننده تلنگر زده است.

بهمنی مطلق و سیوندی (۱۳۹۴) در پژوهش خود، با نگاهی به هنجارگریزی در ۲۳ شعر نیما، هنجارگریزی معنایی را دارای بیشترین و هنجارگریزی نوشتاری را دارای کمترین بسامد دانسته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که نیما به فرم زبان توجه خاص دارد و از جمله شاعرانی است که با به‌کارگیری هنجارگریزی و هنجارافزایی در حوزه معنا، زبان و فرم، به تشخیص سبکی دست یافته است.



دربارهٔ جلیل صفریگی و اشعار او پژوهش‌های زیادی انجام نگرفته است و براساس جستجوهای انجام شده، تنها چهار پژوهش مشاهده گردید:

سهراب‌نژاد و شکری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین شعری مجموعهٔ ایلمایس جلیل صفریگی»، نشان دادند که فراوانی مصادیق ناامیدی که اغلب به خاطر مسائل اجتماعی از قبیل فقر، یاری نکردن هم‌نوع، اختلاف طبقاتی، ناجوانمردی زمانه و ... است، رنگی تیره به شعر او بخشیده و فضای رباعیات او را تیره و تار کرده است؛ اما در اشعار سپید این مجموعه، عشق پرکاربردترین مضمون است و شاعر با دیدی مثبت به زندگی نگاه می‌کند.

شعبانی و پیرگری (۱۳۹۷) در مقالهٔ خود با عنوان «بررسی سبک‌شناسی رباعیات جلیل صفریگی و میلاد عرفانپور؛ با رویکرد به سطح فکری»، نشان دادند که این دو شاعر بیش از هر چیز به مسائل غنایی، اخلاقی، فرهنگی و مذهبی پرداخته‌اند و از وجوه افتراق شعر آنان این است که صفریگی به موضوعات اجتماعی و حکیمانه و عرفان‌پور به مفاهیم سیاسی توجه بیشتری نشان داده است.

مقتدری و حسامپور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری و محتوایی رباعیات جلیل صفریگی»، نشان دادند که در مجموعه رباعیات صفریگی، علاوه بر اینکه شاهد برخی نوآوری‌ها در ساختار رباعی هستیم، این قالب دیرینه نسبت به گذشته انعطاف بیشتری دارد و مفاهیم تازه‌ای متناسب با عصر حاضر به آن راه یافته است که این امر از امروزی شدن رباعی حکایت می‌کند.

قیطاسی و اسدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی صدای زن در نمایشنامهٔ تاجی ونیزی از و. شکسپیر و اشعار جلیل صفریگی (با توجه به نظریه‌های ا. گرین بلات، آ. سین فیلد و پیر ماشری)» به این نتیجه دست یافتند که در اشعار صفریگی، با آنکه شرایط سیاسی- اجتماعی جامعهٔ ایلام به نفع زن تغییر کرده است، ایدئولوژی مردسالار که قرن‌ها پیش به دست مردان ساخته شده است، باز تولید می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد و بر اساس جستجوهای انجام گرفته، پژوهشی که آثار جلیل صفریگی را از منظر ساخت‌گرایانه و بر اساس مؤلفه‌های هنجارگریزی بررسی کرده باشد، یافت نشد و پژوهش حاضر می‌تواند چشم‌اندازی نو به اشعار و سبک شعری این شاعر توانمند معاصر باشد.

معرفی شاعر

جلیل صفریگی (متولد سوم بهمن ۱۳۵۳- ایلام)، شاعر معاصر و معلم ریاضی است. رباعی و شعر سپید از قالب‌های شعری مورد توجه اوست. از صفریگی آثار متعددی به چاپ رسیده است که از جملهٔ آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «چرا پرنده نباشم» (مجموعهٔ شعر سپید، ۱۳۸۷)، «شکلکی برای مرگ» (۱۳۸۲)، «و» (مجموعهٔ رباعی، ۱۳۸۲)، «هیچ» (۱۳۸۳)؛ «انجیل به روایت جلیل» (۱۳۸۳)، «سونات بلوط» (۱۳۸۹)، «عاشقانه‌های یک زنبور کارگر» (۱۳۸۹)، «نُت‌های تنهایی» (۱۳۹۱)، «گاوصندوق بر پشت مورچهٔ کارگر» (۱۳۹۰)، «ایلمایس» (۱۳۹۲) و ...



موضوعات شعری او، ترکیبی از مضامین غنایی و عاشقانه، مضامین اجتماعی و بیان درد و رنج مردم زادگاهش ایلام و صحبت از رنج بی‌پایان بلوط است. «بررسی رباعیات صفریگی، حاکی از این است که مسائل فردی و فراشخصی در منظومه فکری وی موج می‌زند. او تنها به خود فکر نمی‌کند؛ بلکه با مردمی که در میانشان حضور دارد، پیوند برقرار کرده است» (شعبانی و پیرگری، ۱۳۹۷: ۱۶۶). او علاقه بسیاری به زادگاه خود دارد و با حسرت و اندوه، ایلام را مانند زنی ستم‌دیده و نگون‌بخت می‌داند که کسی به فکرش نیست. در رباعی‌های او، «ناامیدی، سیاهی، تباهی و نارضایتی از زندگی به وفور دیده می‌شود؛ گاهی ناامید از رسیدن به معشوق است و گاه ناامید از وضعیت اسفبار جامعه و فقر که باعث شده است رباعی‌های او دیدی منفی به زندگی و شرایط اجتماعی و جامعه ایجاد کند. این ناامیدی گاهی به صورت خودکشی و تباهی زندگی نمود پیدا می‌کند» (سهراب‌نژاد و شکری، ۱۳۹۸: ۱۵۸). او کمبود امکانات و محرومیت مردم ایلام را ظلم بزرگی در حق آنها می‌داند و معتقد است این دیار، با وجود حاصلخیزی خاک، در غربت غلیظی گرفتار آمده است.

انواع هنجارگریزی

هنجارگریزی از نموده‌های رستاخیز کلمات است که با تغییر در فرم عادی و زبان روزمره، در زبان تفاوت ایجاد می‌کند. به اعتقاد زبان‌شناسان و منتقدان ادبی، «سخن ادبی با تصرف در نظام عادی زبان، درنگ ایجاد می‌کند و جریان خواندن خودکار را دچار اختلال می‌سازد؛ از این رو، سخن ادبی عادت‌شکن، آشنایی‌زدا و درنگ‌آفرین است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۷۴). در نظریه لیچ، هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی، به عنوان عوامل مؤثر در برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی مطرح شده‌اند:

الف) هنجارگریزی واژگانی

شاعر از طریق هنجارگریزی واژگانی، زبان خود را برجسته می‌سازد، بدین ترتیب که برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان هنجار، واژه جدیدی می‌آفریند و به کار می‌بندد (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۲). در این نوع از هنجارگریزی، شاعر با بهره‌گیری از واژگان معمول و ترکیب آنها با پسوندها و پیشوندهای غیرمعمول یا ایجاد ترکیبات تازه، زبان خود را برجسته می‌سازد.

ب) هنجارگریزی زمانی (آرکائیسیم)

هنجارگریزی زمانی، یکی از راه‌های تمایز زبان و آشنایی‌زدایی در نظریه صورت‌گرایان روسی است. استعمال واژگانی که در زبان روزمره و عادی به کار برده نمی‌شوند؛ همچنین به کار بردن ساخت‌های نحوی کهنه زبان به جای ساخت‌های نحوی معمولی و روزمره، موجب تشخیص زبان می‌شود که از این مورد در تقسیم‌بندی‌های لیچ، به عنوان هنجارگریزی زمانی یاد شده است. این شگرد، از شیوه‌هایی است که به زبان شاعر تشخیص می‌بخشد؛ زیرا شاعر با روی آوردن به واژگان کهن و شیوه بیان غیرمعمول، موجب برجسته‌سازی و عادت‌ستیزی در زبان خود می‌شود.

در «فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی»، کهن‌گرایی به معنای «استفاده از واژه‌ها و اصطلاحاتی است



که در گفتار روزمره یک دوره منسوخ شده‌اند» (آبرامز، ۱۳۸۷: ۲۰). صفوی (۱۳۷۳: ۱۵) نیز معتقد است: «از آنجایی که باستان‌گرایی در شعر امروز، نوعی هنجارگریزی از نُرُم عادی زبان به شمار می‌آید، به این سبب آن را هنجارگریزی زمانی می‌نامند». بن جانسن، منتقد انگلیسی، دربارهٔ صلابت و اقتداری که استفاده از واژگان کهن به شعر می‌بخشد، می‌گوید: «کلماتی که از اعصار کهن اقتباس می‌شود، نوعی شکوه و جلال به سبک می‌بخشد و احیاناً خالی از حظ و لذت نیست؛ زیرا از قدرت سالیان برخوردار است و بر اثر مدتی فترت، نوعی تازگی شکوهمند احراز می‌کند» (دیچز، ۱۳۷۳: ۲۵۷).

در سبک‌شناسی بهار، به لزوم احیای هویت ملی و فرهنگی و اهمیت کار ادیبان در بازآوردن واژگان فاخر و باصلابتی که در گذشته به کار می‌رفته‌اند و اکنون در حال تمایل به فراموشی هستند، تأکید شده است: «برای اینکه آثار گذشتگان که حاوی تحریکات ملیه و مثل سنگرهای غیرقابل تسخیری در اطراف ملیت‌ها قرار دارند، از بین نرود و احساسات و طنبیه در مراجعه به آن آثار همواره تازه و در کار نمو مانده و این فراموشی عمومیّت پیدا نکنند، باید ادبای امروز ما در حفظ و صیانت لغاتی که آثار با عظمت قدما به آن لغات منظوم شده است، سعی نموده و پایه آثار جوان و نوین خود را بر روی همان لغات و اصطلاحات و اوزان قرار دهند» (بهار، ۱۳۷۷: ۳۰۷).

فتوحی (۱۳۹۰: ۲۵۵) معتقد است «کهن‌گرایی در گفتار امروزی و بازآفرینی جلوه‌های زبان تاریخی از طریق کهن‌گرایی، موجب شکل‌گیری سبک و تأثیرگذاری کلام می‌شود؛ همچنین سبب انگیزش حس نوستالوژیک، تداوم فرهنگی و شکوه و والایی زبان می‌گردد».

ج) هنجارگریزی سبکی

در این نوع از هنجارگریزی، «شاعر از لایهٔ اصلی شعر که گونهٔ نوشتاری است، گریز می‌زند و از واژگان یا ساخت‌های نحوی گفتاری استفاده می‌کند» (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۳)؛ به عبارت دیگر، زبان در بخش‌هایی از متن از حالت نوشتار به حالت گفتار تغییر می‌یابد. این کارکرد به توسعهٔ زبان و استفاده از ساخت‌های قدیمی و جدید در کنار هم می‌انجامد. «شاعران امروز با به‌کارگیری واژه‌هایی که تا پیش از دورهٔ معاصر اجازهٔ ورود به ساحت شعر را نداشتند؛ همچنین با استفاده از واژه‌های تازه‌ای که در زبان روزمرهٔ امروز به کار می‌رود، در کنار واژه‌های گذشته، به گسترش و توسعهٔ زبان شعر کمک می‌کند» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

د) هنجارگریزی گویشی

استفاده از واژگان و تعبیری که در زبان معیار، متداول و شناخته‌شده نیست و به گویش‌هایی غیر از زبان معیار تعلق دارد، موجب ایجاد هنجارگریزی گویشی می‌گردد. نیما یوشیج (۱۳۶۳: ۱۱۷) استفاده از امکانات گویش‌های مختلف و طبیعت و فضای محلی را برای شعر ضروری می‌داند و معتقد است: «جستجو در کلمات دهاتی‌ها، اسم چیزها، درخت‌ها، گیاه‌ها و حیوان‌ها، هر کدام نعمتی است، نترسید از استعمال آنها».

ه) هنجارگریزی نحوی

در این نوع هنجارگریزی، شاعر با جابه‌جا کردن عناصر سازندهٔ جمله، از قواعد نحوی و ساخت دستوری زبان سرپیچی می‌کند و زبان خود را به شکلی متفاوت از زبان معیار و



هنجارمند تغییر می‌دهد. در این نوع، به طور مثال، ساخت معمول و متداول جمله در زبان فارسی به صورت «فاعل + مفعول + فعل» در آفرینش‌های ادبی دچار تحول می‌شود و با پس و پیش شدن ارکان جمله و انحراف از قواعد زبان، به هنجارگریزی می‌انجامد. تقدیم فعل، تأخیر فاعل، ترکیب وصفی مقلوب، کاربرد «نه» منفی‌ساز و ... از نمودهای این نوع از هنجارگریزی است (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۱).

و) هنجارگریزی آوایی

برهم زدن قواعد آوایی و به کار بردن کلمات به شکلی متفاوت از جهت تلفظ و آوانگاری به گونه‌ای که در زبان معیار، خواندن و تلفظ آن کلمه به شکل جدید آن متداول و مرسوم نباشد، هنجارگریزی آوایی است (همان: ۵۲). ابدال، اشباع، تخفیف، حذف، قلب، مشدد کردن کلمه و ساکن کردن متحرک در این نوع هنجارگریزی قابل بررسی است.

ز) هنجارگریزی معنایی

هنجارگریزی در سطح معنایی زبان، مهمترین و پرکاربردترین شیوه در برجسته‌سازی ادبی است که در آثار شاعران، فراوان از آن استفاده شده است. صنایع ادبی مانند استعاره، تشخیص، پارادوکس، مجاز، حس‌آمیزی و ...، به عنوان عوامل ایجاد این نوع هنجارگریزی شناخته می‌شوند. انتقال معنا مهمترین کارکرد زبان است که در زبان معیار با استفاده از واژگان متعارف و متداول انجام می‌گیرد؛ اما در هنگام آفرینش ادبی و خلق شعر، شاعر با گریز از هنجار و شکستن قواعد حاکم بر زبان، برای واژه‌ها معنای جدیدی می‌آفریند یا با استفاده از صنایع ادبی همچون استعاره، مجاز و ... رابطه جدیدی برای واژه‌ها خلق می‌کند که با معیارهای زبان متداول قابل سنجیدن نیست (همان: ۵۲).

ح) هنجارگریزی نوشتاری

در هنجارگریزی نوشتاری، شاعر شیوه‌ای را در نوشتار به کار می‌برد که تغییری در تلفظ واژه به وجود نمی‌آورد؛ بلکه مفهومی ثانوی را بر مفهوم اصلی آن می‌افزاید (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۴). در این کارکرد، «حالت فیزیکی واژه‌ها تصویری از معنای آنهاست. این نوع شعر، نوعی نقاشی است که در آن، شاعر تصویری از معنا را ترسیم می‌کند» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۹۹).

تحلیل مؤلفه‌های هنجارگریزی در مجموعه رباعیات «سونات بلوط»

الف) هنجارگریزی واژگانی

یکی از راه‌هایی که شاعر با کمک آن در پی مضمون‌آفرینی و خلق تصاویر نو می‌باشد، بهره‌گیری از هنجارگریزی واژگانی است. صفریگی در اشعار خود با به‌کارگیری واژه‌ها و سازه‌های ترکیبی بدیع و جدید از واژگان معمولی و به نوعی گریز از کاربرد متداول این واژه‌ها، موجب برجستگی زبان و موفقیت خود در القای معنای مورد نظر شده است. از جمله این واژه‌ها، ترکیبات و عبارات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



غربت اندوزی

برخاک نشست و غربت اندوزی کرد
بردامن خویش زخم، گل دوزی کرد
(صفریگی، ۱۳۸۹: ۴۲)

غربت غلیظ

ایلام چه خاک زخم خیزی شده است
ایلام چه غربت غلیظی شده است
(همان: ۴۹)

هایکو-بوسه

یک هایکو-بوسه طلائی شده است
سطر من و سطر تو و سطر باران
(همان: ۱۰)

بوسه-ماهی

لب هام به شکل بوسه-ماهی شده اند
بنداز درون آب قلابت را
(همان: ۷)

پیر قبیلۀ مترسک‌ها

تنهایی ام از مرگ به من ارث رسید
من پیر قبیلۀ مترسک‌هایم
(همان: ۲۹)

ترکیباتی همچون «غربت غلیظ»، «آغوش عمیق»، «خواب‌های مُرده»، «آفتاب‌های مُرده»، «رنگ‌های زخمی»، «گریبان نگاه»، «گل دوزی زخم»، «دریای بزرگ سنگ و صخره»، «یک ایل بلوط» و ... از ابداعات جالب توجه در این اثر است.

(ب) هنجارگریزی زمانی (آرکائیسیم)

در رباعی‌های موجود در کتاب «سونات بلوط»، هنجارگریزی زمانی یا آرکائیسیم به شکلی محسوس و چشمگیر قابل مشاهده نیست. در تمام این اثر تنها تعداد معدودی از کاربرد کلمات به شکل کهن دیده می‌شود و شاعر از واژگان کهن دیریاب بهره نمی‌گیرد و همین امر باعث می‌شود که میان شعر و مخاطب، گسست و فاصله‌ای ایجاد نشود. نمونه‌های این کلمات قدیمی:

خراب (به معنای مست و بی‌خود):

هم رود خراب و مست راه افتاده
هم کوه عصا به دست راه افتاده
(همان: ۶)

گریبان (به معنای یقه لباس):

امروز چرانگویم که دلم غمناک است
وقتی که گریبان نگاهم چاک است
(همان: ۴۵)



خویش (به معنای خود):

برخاک نشست و غربت اندوزی کرد بردامن خویش زخم، گل دوزی کرد

(همان: ۴۲)

کاربرد ادات تشبیه به سبک کهن (چو به معنای مانند):

بی تاب و رومق، خراب و خسته خورشید خشکیده چو ترخینه تلخی بر بام

(همان: ۴۷)

ج) هنجارگریزی سبکی

استفاده از کارکرد محاوره‌ای زبان در ضمن زبان رسمی و تغییر زبان از نوشتار به گفتار در برخی از رباعی‌های سونات بلوط مشاهده می‌شود. استفاده از اصطلاحات و تعابیر عامیانه یا آوردن افعال به شکل گفتاری آن و استفاده از اصوات عامیانه از نمونه‌های کاربرد زبان گفتار در متن نوشتاری اشعار صفریگی است:

«کم آوردن» در معنای «عاجز و ناتوان شدن»:

در وصف تو از ازل کم آورده دلم اندازه صد غزل کم آورده دلم

(همان: ۱۲)

اصطلاح عامیانه «با پای خودم به چاه افتادم» در معنای «به اختیار گرفتار شدن به چیزی»:

من یوسف بی برادر و بی گرگم با پای خودم به چاه تو افتادم

(همان: ۲۴)

کاربرد فعل «بینداز» به شکل گفتاری «بنداز»:

لب‌هام به شکل بوسه-ماهی شده‌اند بنداز درون آب قلابت را

(همان: ۷)

استفاده از کلمه یا حرف صوت «هی» در معنای «دائماً» و «به طور مداوم»:

هی با مژه سنگ و صخره‌کنندیم از خود تا اینکه تونل زدیم آزادی را

(همان: ۴۸)

«تر و خشک کردن» در معنای «مراقبت و نگهداری کردن»:

عمری تر و خشک کرد با عشق تو را ایلام، زنی که جای خون شوهر کرد

(همان: ۴۶)

د) هنجارگریزی گویشی

این نوع از هنجارگریزی به مفهوم کاربرد کلمات، اسم چیزها یا مکان‌ها در گویش‌های مختلف در میانه زبان رسمی و معیار است؛ این شکل از هنجارگریزی در سونات بلوط، تنها در دو



مورد وجود دارد؛ مورد اول، با کاربرد واژه «ترخینه» که اسم یک غذای محلی در فرهنگ ایلام و مناطق کردنشین است، دیده می‌شود:

بی‌تاب و رومق، خراب و خسته خورشید خشکیده چو ترخینه تلخی بر بام
(همان: ۴۷)

مورد دوم، اشاره به اسم یکی از کوه‌های موجود در ایلام است:

تو رفتی و ماه راه را گم کرده بر قلّه مانشت نمی‌تابد ماه
(همان: ۳۷)

ه) هنجارگریزی نحوی

کاربرد هنجارگریزی نحوی در اشعار صفریگی همچون دیگر شاعران از عناصر بدیهی جهت برجسته‌سازی زبان است. بر هم زدن ساختار متداول و معمول جمله و جابه‌جایی ارکان جمله مانند: تقدیم فعل بر سایر بخش‌های جمله، حذف فاعل، حذف فعل، تقدیم مسند و مواردی از این دست از جمله روش‌هایی است که در خروج از قواعد زبان هنجار و برجسته‌سازی زبان به کار رفته است که متأثر از زبان مادری و گویش عامیانه و گفتاری شاعر بوده است:

تقدیم فعل و تأخیر فاعل:

بخ بست درون خاک آرام آرام دریای بزرگ سنگ و صخره: ایلام
(همان: ۴۷)

در آب که شستی تن بی‌تابت را دیدند تمام رودها خوابت را
(همان: ۷)

فریاد زدیم عشق را شادی را غم‌های عتیق اهل آبادی را
(همان: ۴۸)

جابه‌جایی صفت و موصوف:

- سیاه ماهی: ماهی سیاه

ایلام - سیاه ماهی کوچک ما - قربانی گریه عزیز شده است
(همان: ۴۹)

- خالی رگ‌ها: رگ‌های خالی

قلبم شده ایستگاه متروکه مرگ از خالی رگ‌ها قطاری نگذشت
(همان: ۱۴)

و) هنجارگریزی آوایی

در مجموعه رباعیات سونات بلوط، هنجارگریزی آوایی به مفهوم سرپیچی از قواعد آوایی زبان هنجار و استفاده از صورت آوایی‌ای که در زبان روزمره مرسوم نیست و به شکل‌های



مختلفی مانند ادغام، قلب، حذف، تسکین، تشدید و ... نشان داده می‌شود، در مواردی مانند استفاده از «چو» به معنی مانند، مشاهده گردید:

بی‌تاب‌ورمق، خراب‌و‌خسته‌خورشید خشکیده چو ترخینه تلخی بر بام

(همان: ۴۷)

کاربرد فعل «بینداز» به شکل گفتاری «بنداز»:

لب‌هام به شکل بوسه-ماهی شده‌اند بنداز درون آب قلابت را

(همان: ۷)

صفریگی، یکی از آثار خود را با حرف «و» نامگذاری نموده است که نوعی آشنایی‌زدایی و کاربرد آواها و حروف بوده است.

ز) هنجارگریزی معنایی

با توجه به اینکه هنجارگریزی در حوزه زبان مطرح است و طرح آن در حوزه معنا مقداری با فرمالیسم و ساختارگرایی که بر ظاهر و رویه ظاهری کلام تأکید دارد، ناسازگاری دارد؛ اما در نظریه لیچ، هنجارگریزی معنایی با تحول در حوزه معانی و نوسازی روابط میان واژگان متداول و معمول در زبان معیار اتفاق می‌افتد و از طریق صنایع ادبی، مانند استعاره، تشخیص، پارادوکس، حس آمیزی، مجاز و ... نشان داده می‌شود. این نوع از هنجارگریزی در اشعار صفریگی با قدرت و صلابت بسیار خود را نشان می‌دهد و با ایجاد تصاویر و تشبیهات شگرف و خلاقانه، خواننده را غافلگیر می‌سازد. از نمونه‌های این هنجارگریزی در اشعار او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تشبیه

تشبیه لب به بوسه-ماهی:

مانند زنی سبزه، بهار عمرم زنبیل به دست از کنارم رد شد

(همان: ۱۳)

تشبیه بهار عمر به زنی سبزه که زنبیل به دست می‌گذرد:

قلبم شده ایستگاه متروکه مرگ از خالی رگ‌هام قطاری نگذشت

(همان: ۱۴)

تشبیه قلب به ایستگاه متروکه، تشبیه رگ‌های بدن به ریل قطار و تشبیه مرگ به قطاری که به ایستگاه قلب نرسیده است:

قلبم شده ایستگاه متروکه مرگ از خالی رگ‌هام قطاری نگذشت

(همان: ۱۴)

تشبیه عاشق (خود شاعر) به حبه قندی که در چای می‌افتد و نیست می‌شود:

من حبه قند کوچکی بودم که از دست تو در پیاله چای افتاد

(همان: ۲۳)



تشبیه حرکت آتش به رقص و پایکوبی (تصویر زنی کُرد که خودسوزی کرده و شعله‌های آتش به جان او افتاده با تعبیر رقص کُردی آتش بیان شده است):

زن، شعله آتش است یا آتش، زن؟ آتش چه قشنگ رقص کُردی بلد است!

(همان: ۴۴)

تشبیه عاشق (خود شاعر) به بُرجی در حال فرو ریختن و انهدام:

یک برج در آستانه ریختنم آغوش عمیق تو مرا می‌خواند

(همان: ۱۹)

استعاره

غزال: استعاره از چشمان معشوق

یک گله غزال می‌چرد در چشمش پس یوزپلنگ‌های بیژن چه شدند؟

(همان: ۸)

گره: استعاره از ایران

ایلام - سیاه ماهی کوچک ما - قربانی گریه عزیز می‌شده است

(همان: ۴۹)

تشخیص

تشخیص‌های به کار رفته در مجموعه رباعی سونات بلوط اغلب خطاب به ایلام و رنج‌ها و دردهایی است که بر پیکر این خطه دردمند وارد آمده و دل شاعر را به درد آورده است. فقر و رنج زندگی و روحیه ناامیدی و اندوهی که بر این شهر حاکم شده است و بی‌توجهی حکومت نسبت به شرایط نابسامان و حال نامساعد این شهر، موجب شده شاعر، ایلام را به زنی نگون‌بخت تشبیه کند که با تمام توان برای آسایش و راحتی دیگران تلاش می‌کند و خودش در بدبختی و فلاکت دست و پا می‌زند و در نهایت دست به خودسوزی و انتحار می‌زند. شکافتن مسائل اجتماعی و اشاره به پدیده شوم خودکشی از طریق خودسوزی، توجه شاعر به مسائل زنان در شهر جنگ‌زده ایلام را نشان می‌دهد:

ای مرگ چگونه با تو باید سر کرد مرگی تو نمی‌شود تو را باور کرد

(همان: ۴۶)

عمری تر و خشک کرد با عشق تو را ایلام، زنی که جای خون، شوهر کرد

(همان: ۴۶)

ماسیده شب و سکوت در رگ‌هایش چادر زده عنکبوت در رگ‌هایش

ایلام و هزار زخم کاری بر تن ایلام، زنی که جای خون، شوهر کرد

(همان: ۴۳)



ای شهر! چرا بر تو نمی‌تابد ماه
دیوار تو را چرا نمی‌یابد ماه

(همان: ۳۷)

ایلام، زن بلوطی قصه ما
بر قلعه (مانشت) نمی‌تابد ماه

(همان: ۴۲)

ایلام چه دست‌های زبری دارد
مثل کف دست پدرم زخم شده

(همان: ۴۰)

نسبت دادن صفت خراب و مست به رودخانه و عصا به دست بودن کوه از دیگر نمونه‌های تشخیص در این مجموعه است:

هم رود خراب و مست راه افتاده
هم کوه عصا به دست راه افتاده

(همان: ۶)

حس آمیزی

حس آمیزی به معنای درآمیختن ویژگی‌های یک یا چند حس از حواس ظاهری به هم است و از نظر عالمان بلاغت، پایه آن بر اساس استعاره یا مجاز است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۵). در مجموعه سونات بلوط در چند مورد از حس آمیزی استفاده شده است:

خواب آبی:

او مثل همیشه خواب‌هایش آبی است
کار من بیچاره ولی بی‌خوابی است

(صفریگی، ۱۳۸۹: ۲۸)

لبخند بلیغ:

لب‌های عتیق تو مرا می‌خواند
لبخند بلیغ تو مرا می‌خواند

(همان: ۱۹)

غربت غلیظ:

ایلام چه خاک زخم‌خیزی شده است
ایلام چه غربت غلیظی شده است

(همان: ۴۹)

ح) هنجارگریزی نوشتاری

در سونات بلوط، هنجارگریزی نوشتاری به گونه‌ای که مفهوم خاصی از سبک نوشتن از آن برداشت شود، مشاهده نمی‌شود. تنها موردی که در بحث نوشتاری این مجموعه به چشم می‌آید، نوشتن کلمات تنوین‌دار به شکل «آن» است که در چند کلمه مانند: «حتمن: حتماً» و «اصلن: اصلاً» به کار رفته است:



انگار همیشه جای یک تن خالی است این بار کسی نیست، نه اصلن خالی است

(همان: ۹)

مرگ آمده تا مرا از اینجا ببرد حتمن چمدان او پر از مورچه است

(همان: ۲۶)

نتیجه‌گیری

هنجارگریزی از روش‌های برجسته‌سازی متن است که شاعران خواسته یا ناخواسته از آن بهره می‌گیرند و باعث غنای شعر و سخن آنان می‌شود. ابداع واژگان جدید با ترکیب کلمات با پسوند و پیشوندها به گونه‌ای تازه و بدیع، استفاده از کلمات قدیمی و منسوخ، استفاده از زبان گفتار در میان متن نوشتار، استفاده از کلمات و اصطلاحات و اسامی خاص یک گویش، برهم زدن ساختار متداول جمله و جابجا نمودن ارکان جمله، تغییر در تلفظ و ساختار آوایی کلمات و نوشتن متن به شکلی که نمود عینی نوشته به انتقال مفهوم متن بینجامد، از کارکردهای انواع هنجارگریزی در متن است. در پژوهش حاضر با بررسی انواع هنجارگریزی در مجموعه رباعیات سونات بلوط اثر جلیل صفربیگی، شاعر توانمند معاصر، نمونه‌هایی از هنجارگریزی‌های مطرح شده در نظریه لیچ استخراج شد و با تحلیل و مطابقت آنها مشخص گردید که هنجارگریزی معنایی با بهره‌گیری از تشبیه، استعاره، تشخیص و حس‌آمیزی، در این اثر بیشترین کارکرد و بسامد را دارد و سایر هنجارگریزی‌ها با بسامد کمتری در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. شواهد مثال مطرح شده در متن پژوهش، نشان داد که محرومیت و کمبود امکانات، شرایط نامناسب، فقر و وضعیت اسفبار جامعه بر شعر شاعر تأثیرگذار بوده و وی برای نشان دادن این وضعیت و انتقال پیام خود به خلق کلمات و ترکیباتی نو و بدیع چون: غربت‌اندوزی، گل‌دوزی زخم، رنگ‌های زخمی، غربت غلیظ و ... دست زده است.

- آبرامز، مایر هوارد (۱۳۸۷)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، ویراست نهم، تهران: رهنما.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۷)، سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی، به اهتمام کیومرث کیوان، تهران: مجید.
- بهمنی مطلق، یدالله و مریم سیوندی (۱۳۹۴)، «نگاهی به هنجارگریزی در شعر نیما»، علوم ادبی، سال پنجم، شماره ۷.
- پیروز، غلامرضا، حسین حسن‌پور آلودشتی و مراد اسماعیلی (۱۳۹۱)، «هنجارگریزی در شعر هوشنگ ایرانی»، بوستان ادب، سال چهارم، شماره ۴.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- خان محمدی، محمدحسین و آیتا خالقی (۱۳۹۴)، «هنجارگریزی در اشعار نادر نادرپور»، زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، سال هفتم، شماره ۲۲.
- دیچز، دیوید (۱۳۷۳)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چ چهارم، تهران: علمی.
- روحانی، مسعود و محمد عنایتی قادیکلانی (۱۳۸۸)، «بررسی هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی (م. سرشک)»، زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۳.
- سهراب‌نژاد، علی‌حسن و حنا شکری (۱۳۹۸)، «بررسی مضامین شعری مجموعه الیمایس جلیل صفریگی»، فرهنگ ایلام، دوره بیستم، شماره ۶۴ و ۶۵، صص ۱۵۰-۱۷۷.
- شعبانی، اکبر و هادی پیرگری (۱۳۹۷)، «بررسی سبک‌شناسی رباعیات جلیل صفریگی و میلاد عرفانپور؛ با رویکرد به سطح فکری»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پیاپی ۴۲، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، موسیقی شعر، چ هشتم، تهران: آگاه.
- صفریگی، جلیل (۱۳۸۹)، سونات بلوط (مجموعه رباعی)، مشهد: شاملو.
- صفوی، کورش (۱۳۷۳)، از زیان‌شناسی به ادبیات، تهران: چشمه.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
- قیطاسی، سجاد و فاضل اسدی (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی صدای زن در نمایشنامه تاجی ونیزی از و. شکسپیر و اشعار جلیل صفریگی (با توجه به نظریه‌های ا. گرین بلات، آ. سین فیلد و پیر مائری)»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، شماره ۲.
- مقتدری، زهرا و سعید حسامپور (۱۳۹۵)، «تحلیل ساختاری و محتوایی رباعیات جلیل صفریگی»، همایش ادبیات فارسی معاصر، <https://civilica.com/doc/640888>.
- نوروزی، زینب (۱۳۹۸)، «هنجارگریزی در خمسة نظامی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۷.
- نیما یوشیج (۱۳۶۳)، حرف‌های همسایه، چ پنجم، تهران: دنیا.